ماجرای وحشت آفرینی اوباش با نعره های مستانه!

آن ها کارگاه چوب بری را به آتش کشیدند، شیشه های تالار را شکستند و خودروهای مهمانان را تخریب کردند

سجادپور- چند جوان که در پی یک قرار نزاع به خیابان کشاورز مشهد رفته بودند، با رفتارهای اوباشگرانه و حمله به اموال مردم، چنان وحشتی را به راه انداختند که مهمانان یک تالار از شدت ترس هر کدام به سویی گریختند.

به گزارش خراسان، اواخر هفته گذشته درحالی که مهمانان یک تالار در جشن عروسی شرکت کرده بودند ناگهان در تاریکی شب، تعدادی از اوباش سابقه دار نعره زنان و عربده کشان وارد محل شدند تا نزاع دسته جمعی به راه بیندازند. آنان که از قبل قرار نزاع را در کنار مغازه پرنده فروشی گذاشته بودند، سروصدای عجیبی در خیابان کشاورز به راه انداختند. این افراد که حالت طبیعی هم نداشتند برای ایجاد رعب و وحشت در خیابان شیشه های تالار را شکستند و سپس به تخریب خودروهای مهمانان جشن عروسی پرداختند.

مهمانان که از شدت ترس جیغ می کشیدند هر کدام به سویی می گریختند تا از وحشت آفرینی های اوباش در امان بمانند اما نزاع کنندگان که قصد قدرت نمایی داشتند ظرف محتوی بنزین را بیرون آوردند و یک کارگاه چوب بری را نیز به آتش کشیدند. با شعله ور شدن آتش، لباس های مالک کارگاه نیز آتش گرفت و رعب و وحشتی عجیب در محل به راه افتاد. با کمک اهالی و مغازه داران بالاخره شعله های سرکش آتش خاموش شد.

گزارش خراسان حاکی است: با گزارش شهروندان به پلیس ۱۱۰، بلافاصله گروهی از نیروهای کلانتری سپاد مشهد با دستور شبانه سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری) عازم خیابان کشاورز شدند تا به وحشت آفرینی های اوباش پایان دهند اما سابقه داران خطرناک با مشاهده خودروهای پلیس بلافاصله از محل گریختند و در تاریکی شب به مکان نامعلومی رفتند. از سوی دیگر با توجه به اهمیت موضوع و با تاکید سرهنگ حسین دهقان پور (فرمانده انتظامی مشهد) برای دستگیری سریع عاملان اخلال در نظم عمومی، بی درنگ نیروهای عملیاتی کلانتری وارد عمل شدند و ۳ تن از سرکردگان این ماجرا را به دام انداختند و به مراجع قضایی معرفی کردند. این گزارش حاکی است تلاش پلیس برای شناسایی و دستگیری دیگر متهمان مرتبط با این پرونده همچنان ادامه دارد.

«صورت زخمی» باند زورگیران سیاه پوش در گفت وگو با خراسان:

طعمه ها مقاومت می کردند، چاقو می زدیم!

اختصاصی خراسان

سجادپور- اواخر بهمن گذشته، کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی، زورگیران خشنی را دستگیر کردند که ریه نوجوان ۱۶ ساله ای را با ضربه قمه شکافتند و او را روانه بیمارستان کردند.

اعضای این باند «سیاه پوش» سوار بر یک دستگاه پراید سفیدرنگ در تاریکی شب به راه می افتادند و از رهگذران و عابران پیاده در خیابان های مشهد زورگیری می کردند. به دنبال افزایش سرقت های خشن و با صدور دستوری از سوی رئیس پلیس آگاهی، تلاش گسترده کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ جعفرزاده (رئیس دایره مبارزه با جرایم خشن آگاهی) برای دستگیری زورگیران آغاز شد تا این که گروه تخصصی کارآگاهان با ردزنی های اطلاعاتی موفق شدند مخفیگاه سه عضو اصلی این باند را شناسایی و آنان را در چند عملیات ضربتی زمین گیر کنند.

اعضای باند زورگیران «سیاه پوش» که با دستورات ویژه سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) مورد بازجویی های فنی قرار گرفته بودند، راز ده ها زورگیری در مشهد را فاش و به زورگیری از نوجوان بستری در بیمارستان نیز اعتراف کردند که به طور معجزه آسا از مرگ نجات یافته بود.

گزارش خراسان حاکی است: پس از تکمیل تحقیقات و بررسی جرایم اعضای این باند مخوف، آنان با هماهنگی قاضی دکتر اسماعیل رحمانی (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) به شعبه ۹۰۱ دادسرای انقلاب مشهد معرفی شدند تا این پرونده حساس مراحل دادرسی را طی کند.

در همین هنگام زورگیر سیاه پوش معروف به «صورت زخمی» به سوالات خبرنگار خراسان نیز پاسخ داد. آن چه می خوانید نتیجه گفت وگوی یک ساعته با این زورگیر بی رحم است که تیغه قمه را در ریه نوجوان ۱۶ ساله فرو برده و پیکر زخمی او را در تاریکی شب رها کرده بودند.

نامت چیست؟ یونس.

فرزند طلاق هستی؟ نه! دوستانم فرزند طلاق هستند. پدر من بر اثر تصادف فوت کرده است.

مادرت ازدواج کرده است؟ نه! من با مادرم زندگی می کنم.

مخارج زندگی را چگونه تامین می کنید؟ مادرم آرایشگر است. من هم در یک آرایشگاه مردانه به صورت درصدی کار می کنم.

چه کسی را بیشتر از همه دوست داری؟ مادر و برادرم را دوست دارم. کس دیگری را هم در زندگی ندارم.

عاشق نشده ای؟ نه! تا به حال عاشق نشده ام.

اهل مشهدی؟ بله! در خیابان ایثارگران ساکن هستیم.

معتادی؟ نه! مواد مصرف نمی کنم.

اولین زورگیری را کجا انجام دادی؟ با آرش گیلانی (عضو دیگر باند)

در نیمه های شب از طرقبه به مشهد بازمی گشتیم که در بولوار وکیل آباد از یک جوان گوشی زورگیری کردیم. حتی لباس و کاپشن او را هم گرفتیم و از آن جا گریختیم.

گوشی سرقتی را چه کار کردید؟ آن را فروختیم و لباس مشکی خریدیم تا در شب شناسایی نشویم.

طرقبه برای چه کاری رفته بودید؟ برای تفریح و خوش گذرانی می رفتیم و مشروبات الکلی مصرف می کردیم.

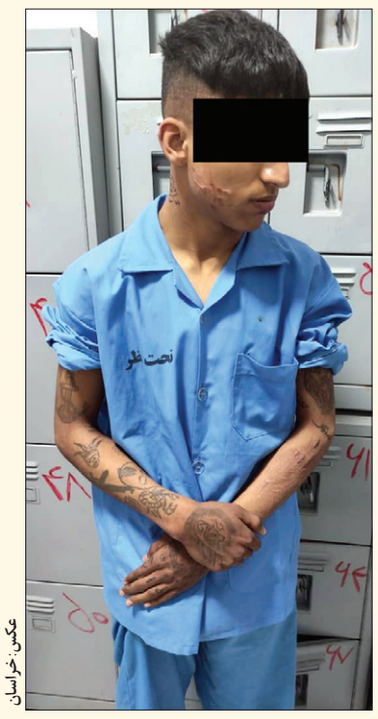
عکس: خراسان

چرا طعمه ها را چاقو می زدی؟ همه را چاقو نمی زدم، اگر مقاومت می کردند مجبور می شدم که چاقو بزنم!

چاقو مال خودت بود؟ نه! آن را آرش گیلانی تهیه کرد و به دستم داد.

هنگامی که رهگذری را چاقو می زدی چه احساسی داشتی؟ عذاب وجدان می گرفتم، حتی وقتی آن نوجوان را در خیابان احمدآباد با چاقو زدم دوباره به محل زورگیری بازگشتم تا ببینم حال او چگونه است!!

چرا کمکش نکردی؟ دیدم کمی راه می رود، رهایش کردم.

چه کسی را در خلافکاری هایت مقصر می دانی؟ دوستانم موجب شدند من به سوی خلاف کشیده شوم البته محیط زندگی هم بی تاثیر نبود چرا که در آن جا بسیاری از جوانان به دنبال خلاف بودند و من هم به سوی جرم رفتم.

چرا همه اعضای بدنت را خالکوبی کرده ای؟ این تصاویر را از حدود دو سال قبل و بعد از مرگ پدرم خالکوبی کردم چون احساس غرور داشتم و فکر می کردم موجب ابهت و عظمت می شود.

خودت خالکوبی می کنی؟ نه! با خالکوب ها از طریق فضای مجازی آشنا شدم و نزد آن ها رفتم.

چرا به صورت زخمی معروف هستی؟ چون صورتم را با چاقو خودزنی کردم. آن زمان پدرم فوت کرده بود و من دچار افسردگی شدید بودم که با تیغه چاقو صورتم را شکافتم و روی دستانم را نیز زخمی کردم به همین دلیل به من «صورت زخمی» می گویند و گرنه دوستانم مرا همان یونس صدا می زنند.

اخبار حوادث روزنامه ها را هم می خوانی؟ نه! من فقط خبرهایی را که درباره کبوتر باشد دوست دارم و آن را در گوشی تلفنم می خوانم!

طعمه هایتان را چگونه انتخاب می کردید؟ سوار بر پراید در خیابان ها راه می افتادیم و در هر خیابان خلوتی که نوجوان یا فرد ضعیفی را پیاده می دیدیم از او زورگیری می کردیم.

آرزویی در زندگی داری؟ همیشه آرزو داشتم خودم مغازه آرایشگری داشته باشم و برای خودم کار کنم چون تا به حال شاگرد بودم.

از زندگی کنونی خودت راضی هستی؟ نه! پدرم را خیلی دوست داشتم. روز پدر دلم برایش تنگ می شود. حالا احساس تنهایی می کنم و افسوس می خورم!

دلت به حال فردی نمی سوخت که او را چاقو می زدی؟ چرا! گفتم که حتی به محل برمی گشتم که اگر نیاز به کمک داشت او را به بیمارستان ببریم!

می دانی زورگیری حکم اعدام دارد؟ متوجه نبودم که کار بدی است، حالا خیلی پشیمانم!

وقتی تصاویر بستری بودن آن نوجوان را در بیمارستان دیدی چه حالی داشتی؟ ناراحت شدم! هنگام زورگیری مشروب نوشیده بودم و حال مناسبی نداشتم.

خوشبختی را در چه می دانی؟ در آزادی و زندگی در کنار خانواده!

سابقه هم داری؟ بله! یک بار به خاطر سرقت تلویزیون به زندان افتادم.

به زورگیران دیگر چه می گویی؟ زورگیری کار بدی است. عاقبت ندارد، بالاخره پلیس به سراغ شان می رود.

۵۷ تن مواد مخدر در کرمان امحا شد

توکلی- ۵۷ تن انواع مواد افیونی در حاشیه شهر کرمان امحا شد. به گزارش خراسان، فرمانده نیروی انتظامی استان کرمان در حاشیه مراسم امحا و نابودی انواع مواد مخدر در جمع خبرنگاران با اشاره به کشف ۱۶۷ تن مواد مخدر به دست نیروهای گمنام امام زمان (عج)، سپاه، نیروهای انتظامی و قرارگاه ابوذر در استان کرمان طی امسال بیان کرد: کرمان برای دومین سال متوالی رتبه نخست کشف مواد مخدر را در کشور به خود اختصاص داد.

سردار عبدالرضا ناظری افزود: در این مراسم با حضور معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار، فرماندهان انتظامی و جمعی از مسئولان در استان کرمان بیش از ۵۵ تن انواع مواد مخدر غیر قابل مصرف دارویی در حاشیه جاده شرف آباد به زنگی آبادی و در کوره های آجرپزی دوراهی شاهرخ آباد امحا و نابود شد. این مقام ارشد انتظامی ادامه داد: برخورد با شبکه ها و باندهای مافیایی مواد مخدر در دستور کار نیروی انتظامی قرار دارد و استان کرمان بیش از ۳۰۶ شهید را در راه مبارزه با مواد مخدر تقدیم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران کرده است.

فرمانده انتظامی بم هم گفت: قاچاقچیان مواد مخدر از استان همجوار شرقی قصد حمل و انتقال مواد مخدر را داشتند که به هدف خود نرسیدند. سرهنگ یوسف سلیمانی افزود: قاچاقچیان با سه دستگاه خودروی مسلح قصد داشتند بیش از ۳۸ کیلو گرم هروئین و کراک را به استان های مرکزی و شمالی کشور حمل کنند که در مقابل هوشیاری پلیس مواد مخدر بم ناکام ماندند. وی ادامه داد: قاچاقچیان با استفاده از دو خودروی راه باز کن دیگر قصد منحرف کردن ماموران را داشتند که نتوانستند به هدف خود برسند و شروع به تیراندازی به سمت ماموران کردند و در نهایت در چنگ قانون افتادند. وی افزود: در این زمینه همچنین یک نفر دستگیر و خودروی آن ها توقیف شد.

عامل «گوشی زنی» در اتوبوس های شهری به دام افتاد

عکس: خراسان

سجادپور- جوان جیب بری که در اتوبوس های شهری گوشی مسافران را سرقت می کرد با هوشیاری شهروندان دستگیر شد و به چندین فقره «گوشی زنی» اعتراف کرد.

به گزارش خراسان، در پی تماس شهروندان با پلیس ۱۱۰، مبنی بر این که از فرار یک جیب بر جلوگیری کرده اند بلافاصله گروه گشت کلانتری رسالت مشهد عازم خیابان ابوذر شد. بررسی های مقدماتی نیروهای انتظامی بیانگر آن بود که یک جیب بر حرفه ای در حالی که سعی داشت گوشی تلفن یکی از مسافران اتوبوس را سرقت کند، با هوشیاری شهروندان لو رفته است. با انتقال این سارق معتاد به کلانتری بازجویی های تخصصی از وی در دایره تجسس در حالی آغاز شد که ماموران انتظامی هنگام بازرسی بدنی از وی، چهار دستگاه گوشی تلفن را کشف کردند که از جیب مسافران اتوبوس های شهری سرقت کرده بود.

گزارش خراسان حاکی است: این سارق ۴۰ ساله در اعترافات خود گفت: از زمانی که به دلیل اعتیاد از کار اخراج شدم به جیب بری در اتوبوس های شهری روی آوردم. امروز هم گوشی نوجوانی را در اتوبوس بی آر تی ربودم و سپس به درون یک حسینیه رفتم و گوشی فرد دیگری را در میان جمعیت از جیب او زدم. دو دستگاه گوشی سرقتی کشف شده را هم در ایستگاه اتوبوس خیابان رسالت از جیب مسافران زدم ولی در خیابان ابوذر مسافران به من مشکوک شدند و مچم را گرفتند. گزارش خراسان حاکی است: این «گوشی زن» حرفه ای پس از تکمیل تحقیقات و شناسایی شاکیان با دستور سرگرد لطفی (رئیس کلانتری رسالت) به مراجع قضایی معرفی شد.

در امتداد تاریکی

کرونای بی رحم

اگرچه همسرم سعی می کرد همه موارد بهداشتی برای پیشگیری از ابتلا به کرونا را رعایت کند اما نمی دانم چرا باز هم در محل کارش به کرونا مبتلا شد و در سومین روز تولد دخترم جان خودش را از دست داد و...

به گزارش خراسان زن ۳۰ ساله با بیان این که نمی خواهم حضانت فرزندانم را به دیگران بسپارم درباره قصه زندگی خود به کارشناس اجتماعی کلانتری آبکوه مشهد گفت: در یکی از شهرستان های خراسان رضوی به دنیا آمدم و تحصیل کردم اما هنوز امتحانات سال آخر دبیرستان به پایان نرسیده بود که روزی در یک جشن عروسی زنی میان سال خیلی با من گرم گرفت و از رفتار و حجابم تعریف و تمجید کرد. آن زن از بستگان داماد بود و من هیچ شناختی از او نداشتم هنگامی که مهمانی به پایان رسید آن زن در بیرون از مجلس عروسی کنار مادرم قرار گرفت و با او به گفت و گو پرداخت وقتی دیدم پسر جوانی که همراه آن زن بود نگاهش به چهره من گره خورده است تازه فهمیدم او قصد خواستگاری از مرا دارد. حدسم درست بود چرا که مادرم ماجرای خواستگاری آن زن را با پدرم در میان گذاشت و این گونه من پای سفره عقد نشستم و با «مهدی» ازدواج کردم ولی خانواده او که در مشهد ساکن بودند اوضاع مالی خوبی نداشتند از سوی دیگر نیز برخی از اعضای خانواده مهدی با این ازدواج مخالف بودند به همین دلیل هیچ گونه کمک مالی به ما نمی کردند با وجود این من عاشق مهدی بودم و همه تلاشم را به کار گرفتم تا پایه های این زندگی را محکم تر کنم. او نیز عاشقانه مرا دوست داشت و دوشادوش یکدیگر در حالی برای درآمدزایی بیشتر کار می کردیم که من پسر اولم را باردار بودم ولی سختی کار در بیرون از منزل را تحمل می کردم تا این که آرام آرام وضعیت مالی ما رو به بهبودی گذاشت. طولی نکشید که خانه دار شدیم و زندگی شیرینی را تجربه کردیم. زمانی که پسر دومم به دنیا آمد همسرم تلاش کرد تا مرا از کار کردن بیشتر باز دارد. او می گفت تو فقط به امور خانه داری بپرداز و من برای رفاه شما بیشتر کار می کنم اما همواره موضوعی در زندگی مرا آزار می داد. اگرچه همسرم هیچ گاه به طور آشکار چیزی به من نگفته بود ولی خوب می دانستم او خیلی دوست دارد که فرزند دختری نیز داشته باشد برای همین وقتی پسرم به سه سالگی رسید دوباره باردار شدم اما نمی دانستم با شیوع کرونا بازار کسب و کار همسرم به شدت کساد شده است او هیچ گاه در این باره سخنی نمی گفت و همواره ادعا می کرد اوضاع خوبی داریم. «مهدی» فشار زیادی را تحمل می کرد و در این شرایط کرونایی سر کار می رفت. روزی که برگه سونوگرافی را به همسرم نشان دادم و به او گفتم فرزندمان دختر است برق عجیبی در چشمانش درخشید و لبخند عاشقانه ای زد که مانند یک تصویر زیبا در ذهنم حک شده است در این شرایط همسرم سعی می کرد توصیه های پزشکی برای جلوگیری از ابتلا به کرونا را رعایت کند اما باز هم از این که با مشتریان زیادی سروکار داشت بسیار نگران بود تا این که بالاخره دخترم مریم به دنیا آمد. آن روز ولوله عجیبی در بیمارستان به راه افتاد و همسرم به همه بستگانمان شیرینی داد اما چند روز بعد در حالی که دچار تب و لرز شدیدی شده بود او را به بیمارستان بردند ولی طولی نکشید که پزشکان وضعیت همسرم را با خیم اعلام کردند.

در همین حال هراسان و نگران خودم را به بیمارستان رساندم دستگاه اکسیژن به صورت همسرم وصل بود ولی پزشکان معتقد بودند همسرم دچار سکته قلبی شده است. گریه کنان خودم را بالای سرش رساندم و دستانش را فشردم ولی او در همان حال جان داد و تنها قطره ای اشک از گوشه چشمانش چکید بالاخره این کرونای بی رحم عزیزترین موجود زندگی ام را از من گرفت و مرا در حالی با خاطرات او تنها گذاشت که نتوانست برای دومین بار دخترش را در آغوش بگیرد و سعادت و خوشبختی او را به نظاره بنشیند و... حالا هم به کلانتری آمده ام تا راهی قانونی برای حضانت فرزندانم پیدا کنم و آن ها را تحت سرپرستی خودم بگیرم.

گزارش خراسان حاکی است بررسی های کارشناسی در این باره از سوی مشاوران کلانتری آبکوه مشهد آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

آگهی تجدید فراخوان پیمانکاران
اداره کل فرودگاه‌های استان خراسان رضوی
شرکت فرودگاه‌های کشور
در نظر دارد، بر اساس قانون برگزاری مناقصات تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی خرید و اجرای نمازخانه های ترمینالی فرودگاه های مشهد سبزوار و گناباد به شماره نیاز ستاد ۲۰۰۰۰۰۱۵۷۸۰۰۰۰۱۶ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
شرکتها می بایست دارای توانمندی و سوابق کاری اجرا شده مشابه در خصوص موضوع مناقصه باشند.
۱- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۳ می‌باشد.
۲- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۱
۳- مهلت زمانی ارسال پیشنهادات تا ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۸
۴- زمان بازگشایی پاکت‌ها ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۸
جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت "الف" با شماره و آدرس ذیل تماس حاصل گردد.
جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۳۳۱۰۸۵۲۰ هماهنگ گردد.
آدرس محل تحویل پاکات الف: دبیرخانه فرودگاه بین المللی شهید هاشمی نژاد مشهد روبروی ترمینال خارجی جنب ساختمان اداری شماره ۲
شماره تماس: ۷-۳۳۴۰۰۰۰۱-۰۵۱
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز سامانه: ۲۷۳۱۳۱۳۱
دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷-۸۵۱۹۳۷۶۸
م الف: ۱۰۰۲۸ شناسه آگهی ۱۲۸۱۰۹۶

«آگهی مناقصه»
شماره مناقصه سامانه ستاد: ۲۰۰۰۰۹۵۰۰۴۰۰۰۰۵
شهرداری مشهد
موضوع مناقصه: انجام عملیات نگهداری، تعمیرات و حفاظت از بیست و دو دستگاه پل عابر پیاده مکانیزه مجهز به ۴۴ دستگاه آسانسور در سطح شهر مشهد مقدس به شرح اسناد مناقصه
مبلغ برآورد اولیه: سی و هشت میلیارد و ششصد و بیست و هشت میلیون و پانصد هزار ریال
جهت اطلاعات تکمیلی به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به نشانی www.rrk.ir مراجعه نمائید.
معاونت خدمات شهری شهرداری مشهد
- سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی

فروش پوشاک (مردانه و زنانه)
ویژه عیدانه
چک ۲ ماهه
بدون سود ویژه خانواده
آدرس مشهد میدان تقی آباد (شریعتی) اول خیابان بهار پشت ایستگاه اتوبوس فروشگاه تهران جین
۰۹۱۵۵۲۵۶۲۹۱-۰۵۱۳۸۵۸۰۵۲۴